



فلسطین چیست و غزه کجاست؟ چگونه می توان انسان فلسطینی را با روایت بی واسطه زندگی اش فهم کرد

عدالت؛ نزاع انسان فلسطینی و صهیونیسم

توافق آتش بس میان حماس و رژیم صهیونیستی از دیروز اجرایی شد و جنگ غزه پایان یافت اما سوالاتی که از پس ۷ اکتبر درباره انسان فلسطینی مطرح شده هنوز هم جای بحث و تئوری پردازی دارد. سوالاتی از قبیل اینکه انسان فلسطینی کیست و فلسطین چیست؟ چگونه از پس حوادث و رخدادها می توان به زندگی و زمانه انسان فلسطینی و مقاومت به مثابه زندگی دست یافت؟ مناسبات فلسطین و نظام سلطه چگونه است و ارتباط این دو با هم دقیقاً چیست؟ ارتباط نظام سلطه و نظام سرمایه داری با وضعیت امروز فلسطین چیست؟ اینها سوالاتی است که فصلنامه «نامه جمهور» به سردبیری مجتبی نامخواه در ۲ شماره پایانی خود به آن پرداخته است. در گفتار پیش رو از حجت الاسلام نامخواه خواستیم طرح بحث فصلنامه مورد اشاره را بازخوانی کرده و درباره نسبت بین فلسطین و نظام سلطه بگویید.

۱ فلسطین در زمانه توسعه فردی

در زمانه ای که از در و دیوار شهر دعوت به توسعه فردی و موفقیت می بارد، بسیار ارزشمند است کسانی از مساله ای عمومی صحبت کنند که به ظاهر هیچ ارتباطی به زندگی روزمره و توسعه فردی و موفقیت و کامیابی شان ندارد. ما در زمانه ای زندگی می کنیم که امر عمومی، خیر جمعی و مصلحت یا هر تعبیری که به کار ببریم؛ عمیقاً زیر چکش های قدرتمندان و ثروتمندان این جهان در حال فروپاشی است. ما با سرعت بالایی به سمتی می رویم که چیزی از امر عمومی باقی نماند. امر عمومی یعنی خیری که به طور غیر مستقیم به زندگی من می رسد. فلسطین از موضوعاتی است که از عنوان عدالت به عدالت نزدیک تر است.

۲ فلسطین چه اهمیتی دارد؟

ما تا قبل از توفان الاقصی درباره فلسطین گفت و گو می کردیم ولی با توفان الاقصی زوایای جدیدتری به روی ما باز شد. ما در این رابطه فکر می کردیم که فلسطین چیست؟ چه اهمیتی برای ما دارد؟ تا قبل از توفان الاقصی فلسطین مساله نبود، بلکه فلسطینی مساله بود، آن هم در لحظه مرگش. یعنی وقتی انسان فلسطینی می مرد، رسانه ها به این موضوع اشاره می کردند و ما افسوس می خوردیم اما بعد از توفان الاقصی معادلات در ذهن ها جابه جا و عوض شد. در طرف مقابل فلسطین، ساختار صهیونیستی و ساختار انضباطی عمیقاً پیچیده ای وجود دارد و محققان و نظریه پردازانی که از فوکو به بعد درباره ساختار انضباطی فکر کرده اند، هرگز چنین چیزی به ذهن شان خطور نکرده بود که بشود چنین سیطره ای بر انسان داشت. حد این سیطره برای ما مشخص نبود و وقتی این فرآیند چندین ماهه را گذراندیم و با تعداد زیادی فلسطینی صحبت کردیم، متوجه چیزهایی شدیم. روایت های رسمی نوعاً به گونه ای سازماندهی شده اند که قابلیت پاسخگویی به سوال «فلسطین چیست؟» را ندارند. برای ما انسان فلسطینی مساله است، آن هم از لحظه مرگش. اما در طرف مقابل ساختار صهیونیستی و نظم انضباطی صهیونیستی در این ۷۵ سال تلاش فراوانی می کند انسان فلسطینی و سوزه فلسطینی حذف شود. در ابتدای توفان الاقصی مسؤؤل رسمی صهیونیستی در گفت و گو رسمی اعلام می کرد ما با حیواناتی می جنگیم که صورت انسانی دارند. سربازی که اعتقاد دارد موضوعی مزاحم و حیواناتی مودی وجود دارند که شبیه انسان هستند و برای تمدن و بشریت مزاحم و مانع هستند، پس می شود حدس زد به چه صورتی با زندگی و جان فلسطینیان برخورد می شود. فرآیند انسانیت زدایی از انسان فلسطینی یکی دو ساله نیست و فرآیندی ۷۵ ساله دارد. در تمام این ۷۵ سال ساختار صهیونیستی

۴ یک نمونه روایت؛ آگاهی انسان فلسطینی

زندانیان محکوم می شود. او بعد از زندان بلافاصله برای تحقق آرزویش مشغول به کار می شود و رستورانی کوچک برای خود احداث می کند. در روز افتتاح آن رستوران برادر او که تلاش می کرد کسی را از گذرگاه رفح به مصر برساند، با تیراندازی مأموران صهیونیستی کشته می شود و افتتاحیه رستوران کنسل می شود. آن دختر بعد از مدتی افسردگی از غزه خارج می شود و به اردن می رود در اردن به دلیل نداشتن پول و خانه با یک مصری ازدواج می کند. او در زمان گفت و گو با ما در کشورهای اسلامی ۱۸ شعبه رستوران داشت اما آرزوی او راه اندازی رستوران در غزه بود. این روایت حامل آگاهی انسان فلسطینی است.

خانمی که پدرش آشپز بود و در کودکی پیش پدرش فضای کار او را دیده بود، آرزویش آشپز شدن بود ولی پدرش به دلیل شرایط آنجا دلش نمی خواست دخترش در رستوران کار کند. او درون خانواده مبارزه ای را شروع می کند تا به پدرش بقبولاند می تواند آشپز یک رستوران باشد و پدرش می پذیرد. آن روز شادترین روز زندگی او بود که توانسته بود اجازه پدرش را بگیرد. روز اول متوجه می شود باید کارت ویژه خودش را داشته باشد. روز بعد با کارت خودش به محل کار می رود ولی در ایستگاه بازرسی کارت آشپزی او را می بینند و می گویند این یک اقدام تروریستی است و هر چه او توضیح می دهد سابقه ای ندارد و در رستوران کار می کند ولی کسی حرف او را قبول نمی کند. آن دختر به ۲ سال

۵ سیطره سلطه

سیاسی امروز مواضع دیگری دارد ولی یک سال کشتار در غزه او را متوجه کرده گویی نظام سلطه ای وجود دارد. آگاهی فلسطین دقیقاً این کار را می کند. آگاهی فلسطین دقیقاً به شکل یقظه عمل می کند. یقظه آگاهی شوکه کننده و بیداری بخش است. معنی فارسی یقظه، بیداری است. فلسطین ما را به یکباره بیدار می کند. ما در تلاشی که داشتیم، سعی کردیم این آگاهی لحظه ای را به صورت تفصیلی بیان کنیم. تصور بسیاری از ما این است که جمهوری اسلامی با اسرائیل مشکل دارد اما واقعیت این است که ایران است که با اسرائیل مشکل دارد. در دوران پهلوی هم با وجود تمام دست نشاندگی رژیم، جامعه ایران با اسرائیل مشکل داشت. جامعه ایران با اسرائیل مشکل دارد. اسرائیل هم با ایران مشکل دارد. همان طور که با عربستان مشکل دارد. اسرائیل همان بلایی را که بر سر سوریه آورد بر سر مصر و عربستان نیز خواهد آورد. اسرائیل با کشورهای بزرگ در منطقه مشکل دارد. ما ۷۰ سال است با مساله اسرائیل مواجهیم ولی برای کار نظری نکرده ایم اما در جهان بسیاری با وجود اینکه نیروهای سکولار هستند یا یهودیان غیر مذهبی هستند، فلسطین برای شان مساله بوده و مفهوم نظری تولید کرده اند. جهان ما به سرعت به سمتی می رود که یا در شقیقه انسان فلسطینی - که عبارت است از انسان ایرانی یا به تعبیر ادوارد سعید تمام انسان های بومی غیر مدرن - شلیک می کنیم یا برای بازسازی مقاومت و برای داشتن ایده مقاومت سعی می کنیم آگاهی یقظه ای فلسطینی را به نظریه تبدیل کنیم.

۶ فلسطین چه زمانی جنبه نظری می یابد؟

باشد که در جغرافیایی هزاران کیلومتر آن طرف تر رخ می دهد، هیچ وقت نمی تواند جنبه ای نظری داشته باشد. وقتی جنبه نظری پیدا می کند که از مصداق خود فاصله بگیرد. مبانی نظری از دل حادانه شکل می گیرند و تبدیل به مفهوم می شوند. اگر به این سبک حرکت کنیم، به وضوح می بینیم ساختار صهیونیستی و سرکوبی که نسبت به سوزه و انسان فلسطینی انجام می شود، صورت عریان و آشکار همان روابطی است که در تمام جهان وجود دارد. به یک معنا انسان ها به میزانی که با واقعیت جهان مدرن بیشتر ارتباط داشته باشند، بیشتر نسبت به فلسطین احساس و ارتباط می گیرند. در واقع اسرائیل، یک کشور دولت یا رژیم نیست. اسرائیل نتیجه طبیعی نابرابری است؛ وقتی در توزیع ثروت و قدرت در جهان با نابرابری حاد مواجه هستید و با قدرتمندانی مواجه خواهید شد که همواره از هر یک دلار معامله در جهان، آورده ای دارند و با فرادستانی مواجه می شوید که برای پیشبرد پروژه های اقتصادی خود و برای خروج منابع طبیعی از منطقه و ورود تکنولوژی به آن نیازمند ساز و کاری هستند که به آن اسرائیل می گویند. اگر اسرائیل امروز نبود و ۷۵ سال پیش به وجود نمی آمد، یک سال قبل یا یک سال بعدش ایجاد می شد، زیرا نظم نابرابر جهان نیازمند این دروازه است. نیازمند خروجی انرژی و مواد خام و ورودی تکنولوژی و محصول است. برای خاورمیانه و غرب آسیا چنین چیزی نیاز است. در آمریکای لاتین و در آمریکای شمالی نیز چنین تجربه ای وجود داشت و بومیان زیادی از بین رفتند ولی در نقطه ای انسان بومی مقاومت کرده و ایستادگی کرده و آن فلسطین است. یکی از نژادهای قابل توجه در قاره آمریکا مردمی با عقبه آفریقایی هستند. انسان آفریقایی برده شده است و بومیان آفریقا استعمار شده اند. در استرالیا نیز سلطه بومیان از بین رفته است. سلطه در یک نقطه نتوانسته موفق شود. در نقطه ای از جهان و تاریخ، فرودستان نتوانسته در برابر فرادستان جهانی چند دهه مقاومت کند و پروژه سلطه را عقب بیندازد. این خود مساله عدالت است. زمانی درباره عدالت انتزاعی صحبت می کنیم ولی کار مدرسه عالی فلسفی است. زمانی که اجتماعی و تاریخی صحبت می کنید باید قصه های نابرابری را تعریف کنید. مساله نزاع انسان فلسطینی و ساختار صهیونیستی خود مساله عدالت است.

یکی از کارهایی که می تواند برای فلسطین به عنوان فعالیت نظری به معنای عام و علوم اجتماعی و انجام شود، این است که ماجراها و روایت ها و اتفاقات را از بستر جزئی خود خارج کند و عمومیت بخشد. مساله فلسطین تا زمانی که مساله انسان فلسطینی باشد و اتفاقی



۳ تجربه زندگی در غزه

شاید درباره ایست های بازرسی که برای فلسطینی ها وجود دارد شنیده باشید. مثلاً آنها در مسیر خانه به مدرسه باید از ایست بازرسی رد شوند. با خواندن این روایت ها به این نتیجه رسیدیم اگر بخوایم یک استعاره برای توضیح اسرائیل به کار ببریم، آن استعاره، ایست بازرسی است. ایست بازرسی فاجعه است، زیرا تمام عناصر تخریب و تحقیر انسان را در این ایست بازرسی می بینید که توسط ذهن شیطانی و هوشمندانه ای طراحی شده بود. به این فکر شده است که چطور بیش از پیش این انسان را تحقیر کنند به طوری که وقتی این فلسطینی می آید معلوم نباشد که امروز می تواند به مدرسه برود یا نه؟ در این مصاحبه ها خانمی به ما گفت خوشحال بودیم که به خاطر یک عروسی می توایم موهای مان را با آب شیرین بشویم و این اتفاق خوبی در آن روز برای ما بود، چون همیشه نمی توان از آب تصفیه شده استفاده کرد و از آب دریا استفاده می کنیم و انواع مشکلات را برای مان ایجاد می کند.

شروع کردیم به جست و جوی انسان فلسطینی و خواندن کتاب ها ولی در آن زمان چیزی به فارسی پیدا نمی کردیم. ۲ کار انگلیسی پیدا کردیم که روایت های قابل توجهی داشت و آنها را جدا کردیم ولی باز کافی نبود و ما به زندگی روزمره انسان فلسطینی دست پیدا نکرده بودیم. برای ارتباط گرفتن با آدمها تلاش کردیم. نخستین گزینه این بود که سراغ جامعه فلسطینی مهاجر در دیگر جوامع برویم، یعنی کسانی که در جامعه های دیگر جامعه ای تشکیل داده بودند؛ کسانی بودند که شور فلسطینی داشتند و درباره توفان الاقصی نگرانی داشتند ولی در فلسطین زندگی نکرده بودند یا آنجا متولد نشده بودند. آنها هم نمی توانستند بازتاب دهنده زندگی روزمره انسان فلسطینی باشند. باید سراغ کسانی می رفتیم که به طور مشخص تجربه زندگی در غزه سال ۲۰۰۰ به بعد را داشته باشند، چون در این مدت زمینه های تحریم شروع شد و بعد به محاصره رسید. ۳ ماه بعد از ۷ اکتبر بود و دسترسی ها مرتباً سخت تر می شد. در نهایت نتوانستیم به تعدادی دست پیدا کنیم که پیش از شروع ۷ اکتبر از طریق گذرگاه رفح به مصر رفته بودند. فلسطینی ها در داخل غزه در زندان هستند ولی ۲ هفته می توانستند مرخصی بگیرند و از رفح به مصر بروند. به کسانی دست یافتیم که مثلاً دخترش با یک مصری ازدواج کرده و داخل مصر زندگی می کند و آنها برای سرزدن به آن دختر به مصر رفته بودند که جنگ می شود. ما از این طریق در حد ۱۴ تا ۱۵ روایت پیدا کردیم که به زندگی انسان فلسطینی دست یابیم و آن روایت ها را ترجمه و بازنویسی کردیم. می توایم بگوییم با خواندن این روایت ها به درک کاملاً متفاوتی از مساله فلسطین و انسان فلسطینی رسیدیم. این سوال احتمالات در ذهن هر کدام از ما باشد که آیا ۷ اکتبر می آرزید؟ در ذهن انسان فلسطینی که در میانه آن رنج قرار دارد این سوال باید بیشتر مطرح باشد ولی چرا این سوال برای آنها مطرح نیست؟ رسانه ها در ماه های اول تلاش زیادی داشتند علیه عملیات توفان الاقصی راهیمایی هایی در غزه راه بیندازند ولی موفق نبودند. چرا برای انسانی که در غزه زندگی می کند این موضوع مطرح نیست؟ زندگی قبلی آنها در غزه زیباتر بود، پس چه مشکلی وجود داشت؟ تا قبل از خواندن این روایت ها این سوال برای من مطرح بود ولی بعد دیگر مطرح نبود.